

فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی

عباسعلی شاهی علی آباد*

چکیده

فرهنگ میرزا ابراهیم واژه‌نامه‌ای است از میرزا ظهیرالدین ابراهیم اصفهانی که در سال ۹۸۶ ه. ق. آن را تألیف کرده است. میرزا ابراهیم (درگذشته ۹۸۹ ه. ق) فرزند میرزا شاه حسین صفوی، وزیر اعظم شاه اسماعیل صفوی است. وی در ترتیب فرهنگ خود، حرف نخست را «باب» و حرف پایان را «فصل» قرار داده است. این فرهنگ با واژه «آرا» آغاز شده و به کلمه «بزدادی» خاتمه یافته است. میرزا ابراهیم، اشعار بسیاری را از شعرای متعدد به عنوان شواهد لغوی آورده و بیشترین ابیات، از آن فردوسی، انوری، ظهیرفاریابی و کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی است. میرزا ابراهیم در تدوین واژه‌نامه خود از شیوه کسانی چون محمدبن هندو شاه نخجوانی مؤلف صحاح الفرس استفاده کرده و فرهنگ او از منابع مورد استفاده فرهنگ‌های بعدی همچون مجمع الفرس سروری، فرهنگ جهانگیری، برهان قاطع و غیاث‌اللغات است. نسخه‌هایی از این واژه‌نامه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مؤسسه لغتنامه دهخدا، کتابخانه وزیری یزد، مدرسه شهید مطهری و... محفوظ است.

کلید واژه: ظهیرالدین میرزا ابراهیم اصفهانی، فرهنگ میرزا ابراهیم، فرهنگ‌نویسی در دوره صفوی، فرهنگ لغت.

*. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

فرهنگ میرزا ابراهیم واژه نامه‌ای است که قسمت اعظم آن در زمان شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴ ه. ق) در ایران به وسیله میرزا ابراهیم اصفهانی فرزند میرزا شاه حسین اصفهانی - وزیر اعظم شاه اسماعیل صفوی - تألیف شده است^۱ و تألیف آن تا سال ۹۸۶ ه. ق است که خود مؤلف در توضیح واژه «غنجار» به آن اشاره می‌کند. چند نسخه خطی از این فرهنگ در کتابخانه‌های بعضی از شهرهای ایران و یک نسخه آن در کتابخانه عارف حکمت مدینه منوره نگهداری می‌شود. این نسخه‌ها در هر جا به نامی شناخته می‌شوند و در ابتدا به نظر می‌آید که باهم تفاوت دارند، ولی پس از مراجعه به متن نسخ و مقایسه بین آنها مشخص می‌شود که همگی یک فرهنگ هستند که نامهای مختلف بر آنها گذاشته شده است. مهمترین نامهای این فرهنگ عبارتند از: نسخه میرزا^۲، نسخه میرزا ابراهیم^۳، فرهنگ فرس اعجمی^۴، فرهنگ جهانگشا (جهانگشای)^۵، فرهنگ میرزا^۶، فرهنگ میرزا ابراهیم^۷، فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی^۸ و فرهنگ میرزا ابراهیم بن شاه حسین اصفهانی^۹.

مشهورترین نام این فرهنگ، فرهنگ میرزا ابراهیم است. البته ناگفته نماند که فرهنگ‌های دیگری نیز وجود دارد که به نام این فرهنگ نامیده شده‌اند، ولی پس از بررسی و مقایسه دقیق مشخص می‌شود که هیچ کدام از آنها این فرهنگ نیستند و فقط به دلیل شباهت نخستین لغات آنها با این فرهنگ به این نام خوانده شده‌اند. برای مثال می‌توان از نسخه خطی شماره ۳۲۳۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نام برد که به احتمال زیاد شرفنامه منبری است و به اشتباه فرهنگ میرزا ابراهیم نامیده شده است.^{۱۰} همچنین استاد احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، این فرهنگ (فرهنگ میرزا ابراهیم) را با فرهنگ مختصر یکی دانسته‌اند^{۱۱} در حالی که مؤلف فرهنگ جهانگیری - میر جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن انجوشیرازی - فرهنگ مختصر و فرهنگ میرزا ابراهیم را جداگانه جزو مآخذ خود آورده است^{۱۲} و این نشان می‌دهد که فرهنگ مختصر فرهنگی غیر از فرهنگ میرزا ابراهیم بوده است. مرحوم سعیدنفری نیز در مقدمه برهان قاطع ضمن فهرست فرهنگ‌های فارسی فرهنگ مختصر را در شماره ۱۲۴ و فرهنگ میرزا ابراهیم بن شاه حسین اصفهانی را در شماره ۱۲۸ ذکر کرده‌اند.^{۱۳} با وجود دلایل مذکور شکی باقی نمی‌ماند که فرهنگ مختصر کتابی غیر از فرهنگ میرزا ابراهیم است.

تاریخ تألیف فرهنگ میرزا ابراهیم

فرهنگ میرزا ابراهیم مقدمه معمول دیگر فرهنگ‌ها را که مشتمل بر سبب تألیف و نام

کتاب و نام مؤلف و غیره باشد ندارد، سال تألیف کتاب نیز نه در مقدمه ذکر شده و نه در خاتمه کتاب، ولی همان گونه که گذشت خوشبختانه در شرح لغت «غنجار»، سال تألیف کتاب یا بخشی از کتاب را چنین مذکور ساخته است:

غنجار: بفتح، سرخی که زنان بر روی مالند و آن را گلگونه نیز گویند و در

این زمان که سنه ۹۸۶ است پسران نیز گاهی مرتکب این امر شوند.

و بدین ترتیب سال تألیف کتاب مشخص شده است. در ضمن در یکی از نسخ این فرهنگ که در مؤسسه لغت نامه دهخدا نگهداری می شود، به جای تاریخ مزبور سال ۹۸۹ ه. ق ذکر شده است و در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران سال تألیف کتاب ۹۸۴ ه. ق یاد شده است.^{۱۴} ولی سخن درست همان سال ۹۸۶ ه. ق است که در اکثر نسخ در واژه «غنجار» به آن تصریح شده است.

شرح حال مؤلف

نام کامل مؤلف آن چنان که از تذکره هفت اقلیم برمی آید، میرزا ظهیرالدین ابراهیم است.^{۱۵} وی خط نستعلیق را در غایت جودت تحریر می نموده، گاه به شیوه جد و گاهی به روش هزل بیتی یا رباعی می سروده است، از آن جمله است:

رندان گاهی ملک جهان می بازند گاهی به نگاهی دل و جان می بازند
این قسم قمار را نه چند است و نه چون هر نوع برآید آنچنان می بازند^{۱۶}
از زمان دقیق تولد و زندگی میرزا ابراهیم اطلاع دقیقی در دست نیست. فقط در تذکره هفت اقلیم نوشته شده که تولد او در سنه ۹۴۱ ه. ق اتفاق افتاده که موافق ماده تاریخ «نخل امید پدر» است^{۱۷} و این سخن کاملاً اشتباه است، زیرا پدر وی میرزا شاه حسین اصفهانی در ۲۸ جمادی الاول ۹۲۹ ه. ق. در کاخ هشت بهشت تبریز به دست مهتر شاه قلی رکابدار و قورچیان همراهش کشته شده است.^{۱۸} بنابراین تولد میرزا ابراهیم قبل از دهه چهارم سده دهم اتفاق افتاده است.

میرزا ابراهیم همواره نقش همنشینی اهل فضل و اصحاب طبع بر لوح خاطر می نگاشته و با آن که اکثر اوقات عمرش به تنگدستی و پریشانی گذشته، هرگز ادراک تنگدلی و اظهار دلتنگی نکرده است.^{۱۹}

همانگونه که پیش از این گفته شد، میرزا ابراهیم مستعد و خوشنویس بود. درباره خط او نوشته اند جناب میرزا نیز به طریق میرمنحرف نویس بود، اما خط او رتبه خط میر را نداشت.^{۲۰}

میرزا ابراهیم مردی سخاوتمند، صاحب همت، قلندر روش و درویش منش بوده است. آن چه دست مکتش بدن می‌رسید، در طبق اخلاص می‌نهاد و خانه‌اش محل رفت و آمد ظرفا، شعرا و مردم اهل بوده است. گاهی بزرگانه در کمال تنعم می‌گذرانیده و گاهی ایام هفته را به نان جوی قناعت می‌کرده و در همه حال شکرگزار بوده است، بسیار شوخ طبع و اهل صحبت و نزد همه عزیز بوده است. در شعر فهمی و تتبع لغات فرس دعوی انفراد می‌کرده و کتابش (فرهنگ میرزا ابراهیم) در زمان حیاتش در عراق شایع بوده است.^{۲۱}

میرزا ابراهیم در سال ۹۸۹ ه. ق از دنیا رفته است و این مهم را از عبارت خلاصه‌الاشعار درمی‌یابیم که می‌گوید:

از جمله افادات طبع آن جناب رساله‌ای است که در لغت فرس و غیر آن تألیف نموده و اکثر لغات متداوله که در اشعار قدما و فصحا دیده می‌شود در آنجا درج فرموده و معانی آن را بعضی به تتبع تمام و برخی را به تصرف طبع و قرینه مقام، معانی مناسب پیدا کرده و به عبارت فارسی مترجم ساخته، وفاتش در شهور سنه تسع و ثمانین و تسعمائه دست داد.^{۲۲}

ویژگیهای فرهنگ میرزا ابراهیم

یکی از نکات مهم و درخور توجه هر فرهنگ لغت طرز تدوین لغات آن است که اگر به درستی انجام گیرد مورد پذیرش عام و خاص قرار می‌گیرد، ولی اگر بهترین فرهنگ‌ها به شیوه‌ای تنظیم و مرتب شود که افرادی که به لغات آن نیاز دارند نتوانند به درستی و راحتی لغات خود را بیابند، بدون شک آن فرهنگ ارزش خود را از دست داده بدون استفاده باقی خواهد ماند.

از سده هشتم هجری قمری تا پایان سده سیزدهم هجری فرهنگ‌نویسان سه روش جدید را برای تدوین فرهنگ‌های خود برگزیده‌اند که در ذیل به شرح آن خواهیم پرداخت:

۱. گروهی حرف آخر لغت را «باب» محسوب کرده، حرف اول را «فصل» به حساب آورده‌اند^{۲۳} مثلاً لغت اول باب اول «آذر فزا» و لغت آخر باب اول «یلدا» است. از کسانی که این روش را در پیش گرفته‌اند می‌توان از محمد هندوشاه مؤلف صحاح الفرس نام برد.
۲. عده‌ای دیگر حرف دوم لغت را باب قرار داده و حرف اول را فصل محسوب

کرده‌اند؛ مثلاً واژه «رخش» و «نخ» را در باب «خ» آورده. بدین ترتیب که اولی را در فصل «ر» و دومی را در فصل «ن» ذکر نموده‌اند مثال^{۲۴} پیداست که چنین روشی رنج و زحمت بسیار دربردارد. به عنوان مثال فرهنگ جهانگیری بدین شیوه ترتیب یافته است. ۳. سومین روشی که بعضی از مؤلفان فرهنگ‌ها برای تألیف فرهنگ از آن استفاده کرده‌اند بدین گونه است که نخستین حرف کلمه را باب شمرده و آخرین حرف را فصل محسوب کرده‌اند، بنابراین واژه‌های چنین فرهنگی با لغتی که با الف همزه شروع و به الف ساکن ختم می‌گردد آغاز می‌شود و با لغتی که با «یاء» شروع و به «یاء» ختم می‌گردد، پایان می‌پذیرد.^{۲۵}

فرهنگ میرزا ابراهیم به روش سوم ترتیب یافته است، یعنی حرف اول را «باب» و حرف آخر را «فصل» قرار داده است. همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد می‌توان چنین فرهنگی را «فرهنگ شعری»^{۲۶} نامید، زیرا به راحتی می‌توان کلماتی را که می‌خواهیم قافیه بیاوریم در آن یافته از آن استفاده کنیم. لغات این فرهنگ با کلمه «آرا» شروع و با کلمه «یزدادی» خاتمه می‌پذیرد و در حدود پنج‌هزار و پانصد (۵۵۰۰) لغت دارد، اعراب و حرکت بعضی از کلمات را در ابتدای توضیح واژه می‌آورد و در اکثر جاها فقط حرکت حرف اول را ذکر می‌کند.

لغات فرهنگ میرزا ابراهیم فقط فارسی نیست و همانگونه که خود مؤلف گفته است: «این رساله‌ای است مشتمل بر بعضی لغات فارسی و عربی و ترکی به ترتیب حروف تهجی». لغات غیرفارسی نیز دارد.

در واقع می‌توان گفت حدود ۸۰٪ لغات این فرهنگ فارسی، ۱۰٪ عربی، ۷٪ ترکی و ۳٪ باقی مانده لغت‌هایی به زبان‌ها و لهجه‌های دیگر است که به زبان فارسی راه یافته که از هر کدام نمونه‌ای ذکر می‌شود:

اسطرسات (رومی)	اسطرباب (یونانی)
خورخجیون (سُریانی)	کوتوال (هندی)
دادر (ماراء التهری)	قراغند (نبطی)
	ولوالی (سمرقندی)

در این فرهنگ، لغات و کلمات عامیانه نیز به ندرت به چشم می‌خورد که می‌توان از لغت «دهن» به جای دهان و کلمه «آرندش» به جای «آوردندش» یاد کرد. میرزا ابراهیم در بسیاری از جاها برای شاهد لغت مصرع یا بیتی آورده است و این

عکس نظر دکتر دبیرسیاقی است که در کتاب فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها نوشته‌اند: «فرهنگ میرزا شاهد شعری ندارد»^{۲۷}

به نظر می‌رسد دکتر دبیرسیاقی نسخه‌ای را دیده‌اند که فرهنگ میرزا ابراهیم نامیده شده است، ولی همانگونه که پیش از این گفته شد بعضی نسخه‌ها و از جمله این نسخه، فرهنگ میرزا ابراهیم نیست بلکه شباهت لغات آغاز نسخه‌ها باعث به وجود آمدن چنین اشتباهی شده است.

میرزا ابراهیم اشعار زیادی را از کتب گوناگون و از شاعران مختلف به عنوان شاهد مثال لغت می‌آورد که مهمترین آنها: رودکی، منجیک ترمذی، فرّخی، انوری، ظهیرفاریابی، سعدی، حافظ، سنایی، خاقانی، عبدالواسع جبلی، قوامی گنجه‌ای، عراقی، مولوی، عنصری، کمال اسماعیل، سید محمد دکنی، بدرشاهی، بوشعیب، امیر خسرو دهلوی، سوزنی سمرقندی، سلمان ساوجی، سیف اسفرنگ، لبیبی، مجیر بیلقانی، جلال عضد، کمال خجندی، عبید زاکانی، منصور شیرازی، اوحدی مراغه‌ای، عمادی، شاهنامه فردوسی، شرفنامه، هفت پیکر نظامی، لیلی و مجنون نظامی، اقبالنامه، تاج المآثر و... است.

بیشترین ابیات متعلق به شاهنامه فردوسی، تاج المآثر، انوری، ظهیرفاریابی و کمال اسماعیل است. گاه نیز میرزا ابراهیم بدون ذکر نام شاعر یا کتاب وی فقط کلمه شعر یا نظم یا مصرع را قید کرده و بعد بیت یا مصرع را می‌آورد و تصریح نمی‌کند که سراینده آن کیست.

ویژگیهای رسم الخطی فرهنگ میرزا ابراهیم

یکی از ویژگیهای رسم الخطی این فرهنگ عدم توجه به نقطه لغات و کلمات است به طوری که می‌توان گفت مثلاً کلمه «نیز» را در همه جا «نیر» نوشته است. این عدم توجه به نقطه کلمات که در آن دوران عیب محسوب نمی‌شده، اکنون یک نقص مهم شناخته شده و کار تصحیح را با مشکلات فراوانی مواجه ساخته است. برای روشن شدن موضوع مثالی آورده می‌شود:

دژواخ: ... درستی که به عربی «غلظ» گویندش. پرسش: عیادت بیمار
 دژواخ: درستی که به عربی «غلظ» گویندش. (شکل صحیح) پرسش: عیادت
 و نماز (شکل صحیح).

همانگونه که می‌بینید عبارات دوم صحیح است و با کوچکترین اشتباه، کلمه نادرست وارد فرهنگ شده و حتی متن به کلی تغییر یافته و مشکلاتی را به بار آورده است. این گونه اشتباهات در همه فرهنگها دیده می‌شود. مثلاً صاحب‌برهان در توضیح واژه «تاتوره» می‌نویسد: «تاتوره: بر وزن ماشوره، چدار و نجاوی باشد از آهن و ریسمان که بر دست و پای اسب و استر گذارند.»^{۲۸}

واژه «نجاو» تصحیف «بخاو» است. این نکته مورد توجه مرحوم دکتر محمد معین نیز واقع نشده و کلمه به شکل «نجاو» در متن برهان قاطع باقی مانده است.

خود مؤلف برهان قاطع در جای دیگر در توضیح لغت «توره» چنین می‌نویسد:

توره: بضم اوّل و ثانی مجهول، بر وزن غوره، جانوریست که او را شغال گویند و بخاو آهنی که بر دست و پای ستور گذارند و...^{۲۹}

دومین ویژگی رسم الخطی فرهنگ میرزا ابراهیم به هم آمیختگی حروف کاف و گاف است که معمول نسخ خطی قدیم است.

از دیگر ویژگیهای آن می‌توان گفت: در برخی جاها زیر سین‌های ساکن سه نقطه گذاشته است؛

حروف خاص فارسی «گ»، «ج»، «پ» و «ژ» را در اکثر موارد به صورت «ک»، «ح»، «ب»، و «ز» نوشته است؛

جدا نوشتن بای اوّل مضارع التزامی از فعل: به ببند.

ویژگی‌های دستوری و سبکی فرهنگ میرزا ابراهیم

به کار بردن ضمیر متصل مفعولی بعد از فعل، مثل: (خماهن: سنگی سیاه که به سرخی زند و نگین سازندش).

به کار بردن فعل مفرد برای جمع غیر انسان، مثل: (داخول و داهول: علامت‌ها که بر اطراف زراعت راست کنند که وحوش خرابی نکند و...).

استفاده از حرف «را» به عنوان حرف اضافه، مثل: (سکاهن: آن رنگی که کفشگران از قند و آهن ترکیب کنند سیاه کردن چرم را).

به کار بردن ضمیر «او» برای غیر ذی روح، مثل: (شاه دارو: شراب انگوری و... جمشید او را شاه دارو نام کرد).

به کار بردن ماضی استمراری به شکل قدیم، مثل: (کوهستان: پیش از این سمرقند را

گفتندی و...).

فعل «سوزند» به شکل متعدّی به کار برده شده است، مثل: (دغل:.... و خاشاک که به مطبخ و حمام سوزند).

استفاده از حرف مر (حرف تأکید مفعولی قبل از مفعول، مثل: (طوبی لک: خنکی باد مر ترا).

به کار بردن حرف اضافه «به» به معنی در، مثل: (بخارا: شهر مشهور به ماوراءالنهر).
 استفاده از پسوند مانا برای شباهت، مثل: (تالانه: میوه‌ای است شفتالو مانا و...).
 استفاده از فعل مفرد برای کلمهٔ مردم، مثل: (در غلیکن: بفتح، در پنجره که از پس آن مردم نمایان باشد).

استفاده از پسوند «گین» به شکل خاص، مثل: (غیور: ترسگین).

استفاده از پسوند «نده» با کلمهٔ عربی، مثل: (غمنده: اندوهگین).

استفاده از فعل سردادن به معنی رها کردن، مثل: (گرماییل:.... مردم را سر می دادند).
 به کار بردن فعل «ندارد» به شکل مخصوص، مثل: (تکمر: تیر آهنی که پیکان آهنی نمی‌دارد و چوبی...).

استفاده از ضمیر «او» برای حیوان، مثل: (بدخشان:.... و گوسفندی باشد در آن ناحیه که بر او نشینند از غایت بزرگی و در قوّت به ستور ماند).
 از دیگر ویژگیهای سبکی این فرهنگ، استفاده از مجاز و کنایه است که چند مثال آن در ذیل ذکر می‌شود:

شکرریزی: گریهٔ شادی و گفتار شیرین. طرفدار: پادشاه.

گاوزایید: یعنی میراث رسید. گره به باد مزین: یعنی مال دنیا ذخیره مکن.

خاک رنگین: زر. باد رنگین: شعر.

دست انداز: حوالهٔ بی حساب.

از ویژگیهای سبکی این فرهنگ، آن است که در بعضی مواقع البته خیلی به ندرت لغات فارسی را با کلمات عربی معنی کرده است که برای نمونه مثالی ذکر می‌شود:
 راهدار: حافظ طریق.

غیر از ویژگیهای رسم الخط، دستوری و سبکی فرهنگ میرزا ابراهیم می‌توان به دقت و ظرافت میرزا ابراهیم در جمع آوری و ذکر نواهای موسیقی در این فرهنگ اشاره کرد. در این فرهنگ حدود ۴۰ نام از نواهای موسیقی ذکر شده است که عبارتند از: آرایش

خورشید، آیین جمشید، بادنوروز، باغ شیرین، بوسلیک، تخت طاقدیسی، چکاوک، حجاز، حسینی، حصار، حقّه کاووس، خارکن، دادآفرید، راح و روح، رامش جان، راهوی، سبز در سبز، سروستان، سروناز، شادروان، شباب، شب‌دیز، شب فراخ، عراق، عنقا، کولنج، کین سیاوش، گنج سوخته، ماه بر کوهان، مردانیک، مشکدانه، مهربانی، ناقوسی، نخچیرگان، نغمه عنقا، نوشین باده، نهاوند، نیریز، نیمروز.

تأثیرپذیری فرهنگ میرزا ابراهیم از دیگر فرهنگ‌ها و تأثیرگذاری بر فرهنگ‌های دیگر

میرزا ابراهیم در فرهنگ خود پس از نام خدا آغاز سخن از حروف فارسی کرده است که عرب بدان تکلم نمی‌کند و از حروف خاص عرب که عجم چندان میل و رغبتی به استفاده از آن ندارد و نیز درباره حروفی که ترکان را زیاد با آن حروف سروکاری نیست سخن گفته و برای برخی از حروف تحت عنوان «فصل» بحثی دارد^{۳۰} و درباره دستور زبان از جمله جمع بستن کلمات و در مورد اضافه و اسم فاعل و اسم مفعول و تعریب و اسماء اشاره و ادات تشبیه و غیره بحث‌های جالب و خوبی دارد. وی در ایران از نخستین کسانی است که در آغاز لغت نامه خویش مطالبی را در باب حروف عنوان کرده و از مباحث دستوری سخن گفته است و در این راه ظاهراً از برخی فرهنگ‌ها که شرح ترکی دارند پیروی و التقاط مطلب کرده و یا دنباله‌روی از شمس قیس رازی در المعجم نموده است، زیرا می‌توان کار او را در ردیف یا دنباله مطالب المعجم به حساب آورد.^{۳۱}

پاره‌ای از مطالب فرهنگ میرزا ابراهیم درباره حروف و مباحث دستوری قابل اعتناست و با موازینی که امروزه در دست داریم سازگاری دارد و از این لحاظ پیشرو فرهنگ‌های دیگر چون رشیدی و برهان قاطع و غیره می‌تواند محسوب شود و امتیاز تقدّم بیابد. البته مطالب نادرست و لغزشهایی نیز دارد.^{۳۲}

یکی از کسانی که عیناً شیوه میرزا ابراهیم را برای تدوین فرهنگ خود برگزید محمد قاسم بن حاجی محمد کاشانی متخلص به سروری بود. او در سال ۱۰۰۸ ه. ق. کتاب لغتی به نام مجمع الفرس یا فرهنگ سروری که مختصر آن خلاصه‌المجمع نام دارد تألیف کرد. وی در فرهنگ خود ترتیب لغات را بر اساس حروف تهجی قرار داده حرف اول کلمه را باب و حرف آخر را فصل به حساب آورده و شواهدی را نیز از اشعار استادان در

فرهنگ خود گنجانده است، مجمع‌الفرس از حیث تحقیق در مطالب و خوبی ترتیب لغات که از شیوه میرزا ابراهیم استفاده کرده است در میان کتب لغت فارسی از اهمیت بسزایی برخوردار است.^{۳۳}

فرهنگ میرزا ابراهیم با شاهد آوردن ابیات مختلف و زیاد از شاعران و کتب قبل از خود در واقع از فرهنگ‌هایی چون لغت فرس اسدی تأثیر پذیرفته است. در فرهنگ اسدی به اسامی و ابیات شعرای مختلف آن زمان بر می‌خوریم که تعداد آنها ۷۶ نفر است. از این جهت این تألیف مجموعه پراچ و قیمتی محسوب می‌شود.^{۳۴} فرهنگ میرزا ابراهیم نیز با شاهد آوردن حدود ۷۰۰ بیت از شاعران مختلف ارزش کار خود را دو چندان کرده است. میرزا ابراهیم برای تدوین فرهنگ خود که به حرف اول و آخر کلمه توجه کرده است به روش کسانی چون محمد بن هندوشاه مؤلف صحاح‌الفرس نظر دارد و شیوه آنها را دنباله روی می‌کند جز این که بعضی از آنها و از جمله محمد بن هندوشاه حرف اول را فصل و حرف آخر را باب قرار داده‌اند و روش میرزا ابراهیم دقیقاً بر عکس این گروه است.

فرهنگ میرزا ابراهیم از حیث محتوا و مفهوم نیز نقش بسزایی را در فرهنگ‌های بعد از خود داشته و دارد. گاه در آن لغاتی یافت می‌شود که در کمتر فرهنگی یافته می‌شود و اگر هم یافته شود معنی دیگری غیر از این معنی دارد که در این فرهنگ آمده. از این جهت نیز این فرهنگ یکی از منابع قابل توجه و مورد استفاده فرهنگ‌های بعد چون مجمع‌الفرس سروری، فرهنگ جهانگیری، و برهان قاطع و غیث اللغات بوده است.^{۳۵}

مؤلف برهان قاطع در موارد متعددی به فرهنگ میرزا ابراهیم مراجعه کرده است و لغتی را که در آن جا دیده عیناً در فرهنگ خود آورده است، ولی در هیچ جا نامی از فرهنگ میرزا ابراهیم نبرده و تصریح نکرده است که این لغت را از کجا گرفته است و فقط گفته است: «بعضی گویند» یا «بعضی گفته‌اند» و عیناً همان مطلب فرهنگ میرزا ابراهیم را آورده است و در بعضی جاها «بعضی گویند» را هم نگفته و عین لغت و معنی را رونویسی کرده است. به عنوان مثال شواهدی را ذکر می‌کنیم و به مقایسه آن می‌پردازیم:

عبارت فرهنگ میرزا ابراهیم ← کبیتا: بضمّ اوّل و فتح ثانی، نانی که از شکر و کنجد پزند.
 عبارت برهان قاطع ← کبیتا: بضمّ اوّل و فوقانی بالف کشیده، بر وزن هویدا، حلوایی باشد که از مغز بادام و پسته و گردکان و کنجد و امثال آن پزند و آن را حلوای مغزی هم می‌گویند و به عربی «ناطفه» خوانند و معرب آن «قبیطا» باشد؛ و بعضی گویند نانی که از شکر و کنجد پزند^{۳۶} و....

فرهنگ میرزا ابراهیم ← کاز: صومعه‌ای که بر سر کوهی باشد.
 برهان قاطع ← کاز: ... بعضی گویند صومعه‌ای باشد که بر سر کوه ساخته باشند.^{۳۷}
 فرهنگ میرزا ابراهیم ← سوفسطائیه: قومی از حکمای باطل.
 برهان قاطع ← سوفسطائیه: قومی اند از حکمای باطل.^{۳۸}
 فرهنگ میرزا ابراهیم: ← کاینه: بوزن آینه، امر کردن به کسی که چشم از من مگردان.
 برهان قاطع ← کاینه: بر وزن آینه، امر کردن باشد به شخصی که چشم از من مگردان
 و...^{۳۹}

مثال‌های مزبور و صدها مثال دیگر مثل اینها که در این مختصر نمی‌گنجد همگی نشان دهنده این است که صاحب برهان و دیگر فرهنگ‌هایی که بعد از فرهنگ میرزا نوشته شده‌اند به نحوی از این فرهنگ استفاده کرده‌اند. هرچند ممکن است نامی از این فرهنگ نبرده باشند. حتی در عصر کنونی ما کسانی چون دکتر محمد معین نیز به طور غیر مستقیم از فرهنگ میرزا استفاده کرده‌اند.

در اینجا نمونه‌ای را ذکر می‌کنیم که بسیار جالب و درخور توجه است.

در فرهنگ میرزا ابراهیم چنین نوشته شده است:

توره: فرزند عزیز بفتح تاتوره شگال و بخاو که بر دست اسب نهند

در اینجا شکل درست کلمات با نقطه‌گذاری چنین نوشته می‌شود:

توره: فرزند عزیز، بفتح تا. توره: شگال و بخاو که بر دست اسب نهند.

مؤلف برهان کلمه دوم را تاتوره خوانده و در فرهنگ خود چنین آورده است:

تاتوره: بر وزن ماشوره، چدار و نجاوی باشد از آهن و ریسمان که بر دست و پای اسب و استر گذارند.^{۴۰}

در اینجا دو اشتباه در برهان قاطع راه یافته است: اول اینکه لغت درست «توره» بوده است و نه «تاتوره» و «تا» که در ابتدای آن آمده متعلق به توضیح واژه قبل بوده و نه این کلمه. دوم اینکه در توضیح لغت مورد نظر کلمه «بخاو» درست است که به اشتباه «نجاو» نوشته شده است. هرچند ممکن است کلمه «بخاو» را که به شکل نجاو نوشته شده از بی دقتی حروفچینان بدانیم ولی خود مرحوم معین کلمه «تاتوره» را در فرهنگ معین چنین آورده‌اند:

۱. تاتوره (e)- tātura (.) ۱ - ریسمانی که برپای اسب و استر گذارند.^{۴۱}

نسخه‌های فرهنگ میرزا ابراهیم

از فرهنگ میرزا ابراهیم نسخ خطی متعددی باقیمانده است که در کتابخانه‌های شهرهای مختلف ایران مثل تهران، مشهد، قم و یزد نگهداری می‌شود. یک نسخه احتمالاً نفیس این فرهنگ نیز در کتابخانه عارف حکمت مدینه منوره نگهداری می‌شود که علی‌رغم تلاش فراوان و فرستادن اشخاص مختلف برای گرفتن میکروفیلم آن متأسفانه موفق به دستیابی آن نشدیم. البته دور از ذهن نیست که نسخه‌های دیگری از این فرهنگ نیز موجود باشد که در هیچ فهرستی ثبت نشده و به این دلیل ما از آنها بی‌اطلاع باشیم.

حدود دوازده نسخه از این فرهنگ را نگارنده این سطور شناسایی نموده است که پس از تحقیق و بررسی ۱۰ نسخه، ۴ نسخه قدیمی‌تر و کم‌غلظ‌تر آن، برای تصحیح برگزیده شد و دیگر نسخه‌ها به دلایل متعدد از جمله افتادگی‌های فراوان، آب دیدگی و ناخوانا بودن برخی قسمت‌ها، بدخط و پرغلط بودن و سرانجام عدم دسترسی، کمتر مورد استفاده قرار گرفت.

در ذیل ابتدا به معرفی ۴ نسخه‌ای که در تصحیح کتاب مورد استفاده قرار گرفته است می‌پردازیم و سپس دیگر نسخه‌ها را معرفی می‌کنیم.

۱. فرهنگ جهانگشا: فرهنگ جهانگشا همان فرهنگ میرزا ابراهیم است که به شماره ۴۰ - د در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، نسخه‌ای است نفیس که به خط نستعلیق نوشته شده و کمترین اشتباه را نسبت به دیگر نسخه‌ها دارد. از کاتب یا مؤلف در خود کتاب نامی برده نشده است. تاریخ کتابت آن روز دوشنبه ۵ شعبان ۱۰۴۲ ه. ق است که در پایان نسخه ذکر شده است.

عنوانهای فصل و نشانه‌ها به سنگرف نوشته شده و نوع کاغذ آن سپاهانی است و ۱۷۶ برگ دارد. جلد آن از جنس تیماج و در ابعاد ۱۲/۵ × ۲۰ سانتیمتر است. ابعاد برگ‌های این نسخه ۶/۵ × ۱۳ سانتیمتر است و هر برگ آن ۱۵ سطر، نوشته دارد. متن افتادگی خاصی ندارد فقط در بعضی جاها به ندرت به علت آب دیدگی بعضی کلمات و جملات محو شده است.

آغاز: بسمله، اما بعد بدان که عرب به چیم و پا و گاف و ژا مثل چه و پا و گردن و کژ تنطق ننماید الا نادراً و....

انجام: فصل الها، یاوه و یافه: بیهوده و هذیان. یوسه: اره درودگران.^{۴۲}
به تاریخ یوم الاثنین، پنجم شهر شعبان سنه الاتنی و اربعین بعد الف سمت اختتام یافت.

۲. فرهنگ میرزا ابراهیم: نسخه با شماره ۸۶۵^{۴۳}. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، به خط نستعلیق نوشته شده است ولی به دست یک نفر کتابت نشده است، زیرا چهار نوع خط نستعلیق مختلف را در آن می‌توان دید. برگ نخستین نونویس و ۱۸ سطری است. ۱۰۷ صفحه بعد از صفحه اول به خط نستعلیق نوشته شده، ولی اندکی بد خط است، در عوض اشتباه خیلی کمی دارد. هر صفحه این بخش ۲۰ سطر دارد و درصد اشتباهات آن نسبت به قسمت ۱۸ سطری اندکی بیشتر است. این نسخه از جهت صحت مطالب در رتبه دوم قرار دارد. جلد نسخه تیماج و قطع آن ربعی است. ۱۲۷ برگ دارد و کاغذ آن کشمیری است. طول برگها ۱۷/۵ سانتیمتر و عرض آن ۱۰/۵ سانتیمتر و عناوین و لغات آن با شنجرف است. شماره این نسخه در دفتر مخصوص مجلس ۱۳۷۷۳ است. متن افتادگی ندارد و از این جهت نسخه کاملی است. آغاز: بسمله، بدان که عرب به «چ» و «پ» و «ز» و «گ» تنطق ننماید و فارسیان به «تا» و «حا» و «صاد» و «ضاد» و «طا» و «ظا» و «عین» و «قاف» الخ.

انجام: یویه^{۴۴}: بضم، آرزو. یوزه: بضم، تنه درخت. فصل فی الیاء:

یزداری^{۴۵}: قیمه و تخم مرغ که در هم پزند. والحمدلله رب العالمین^{۴۶}.

۳. فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی: این نسخه در حال حاضر در مؤسسه لغت نامه دهخدا به شماره ۲۵ نگهداری می‌شود. خط کتابت آن نستعلیق و نسبتاً خوش خط نوشته شده است. کتابت نسخه باید در حدود اواخر سده دهم و اوایل سده یازدهم بوده باشد. عنوان و لغات آن به شنجرف نوشته شده است. جلد نسخه مزبور گالینگور و قطع آن ربعی است. این نسخه نیز مانند نسخ قبلی با فصل‌هایی درباره حروف و دستور زبان شروع می‌شود و سپس بابها برحسب نخستین حرف هر کلمه آورده می‌شود. از مؤلف در خود کتاب نامی برده نشده، ولی در روی جلد نسخه، نام مؤلف و کتاب نوشته شده است. از کاتب نیز در هیچ جای کتاب نامی برده نشده است. نسخه ۱۷۳ برگ دارد که در هر برگ ۱۲ سطر مطلب نوشته شده است.

این نسخه از لغت «لانه: کاهل و بیکار» تا لغت «هاژ» را ندارد و باز پس از آوردن لغاتی از «هاژ» تا «یاسچ» بقیه لغات را ندارد. با این وجود این نسخه به دلیل اشتباه کم،

از ارزش والایی برخوردار است.

آغاز: بدان که عرب به چیم و پا و گاف و ژای مثل چه و پا و گردن و کز تنطق ننماید و الخ.

انجام: یاسج، بضم سیوم، تیر، مجیر بیلقانی گوید:
به دست بندگان در کمان شد ابر نیسانی

که از وی یاسج و یغلق همی بارید چون باران^{۴۷}

۴. چهارمین نسخه فرهنگ میرزا ابراهیم نسخه‌ای است با نام فرهنگ فرس اعجمی به شماره ۲۸۰۹ متعلق به کتابخانه وزیری یزد و میکروفیلم آن در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس نگهداری می‌شود. به دلیل آن که قسمتی از پایان آن افتاده است تاریخ کتابت آن را در دست نداریم. این نسخه به خط نستعلیق که شباهت زیادی به خط نسخ دارد نوشته شده است. نام کاتب و مؤلف در هیچ جای کتاب نیامده است. در حدود ۱۲۲ برگ دارد و نوع کاغذ آن سمرقندی است و در هر برگ ۱۶ سطر نوشته دارد. این نسخه جزو نسخه‌های نفیس کتابخانه وزیری یزد محسوب می‌شود. عنوان و نشانه‌ها به سنگرف است. برگهای آن در ابعاد ۱۲×۵ سانتیمتر و جلد آن مقوایی و لولادار است که با تیماج ماشی پوشیده شده و ابعاد آن ۱۸×۹/۵ سانتیمتر است و از طرف مؤسس کتابخانه وزیری - حجة الاسلام وزیری - به این کتابخانه اهدا شده است. شماره عمومی این نسخه ۱۸۶۱۱ است.

آغاز: بسمله، بدان که عرب به چیم و پا و گاف و ژا مثل چه و پا و گردن و کز تنطق ننماید الا نادراً والخ.

انجام: فصل فی الزا گاز: لب به دندان گرفتن و خائیدن.^{۴۸}

۵. فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی: نسخه حاضر به خط شکسته نستعلیق خوش نوشته شده و هم اکنون به شماره ۸۷ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار نگهداری می‌شود. کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، پشت ورق اول یادداشت شده: هو الله تعالی شأنه، در دارالخلافة طهران داخل دارالکتب گردید به تاریخ ربیع الموعود ۱۲۷۲ و در ذیل آن مهري بدین سجع است: عبدالله بن غلامعلی آل محسن، و نیز در همین صفحه نوشته شده که به سال ۱۲۹۶ لغت به زبان فارسی و عربی و ترکی داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردید و به سال ۱۲۹۷ وقفیت آن بر این کتابخانه به همان نام مذکور نگاشته شده. کتابت نسخه پیش از سده سیزدهم هجری نیست. صفحات مجدول به طلا

و شنگرف و لاجورد و لغات و فصول و ابواب با سرخی است. شانزده ورق میان ورق اول و دوم نسخه از چند جای کتاب است که صحاف آن را در جای خود نگذاشته است.

جلد روغنی، گل و بوته دار، کاغذ فرنگی مهر زده. واقف سپهسالار، قطع خشتی. شماره اوراق (۱۲۲)، صفحه‌ای ۱۸ سطر، طول ۲۰ سانتیمتر، عرض ۱۴ سانتیمتر، شماره کتاب (۸۷) ۴۹.

آغاز: بسمله، بدانکه عرب به چیم و یا و گاف و ژا مثل چه و پا و گردن و کثر تنطق ننماید. الخ.

انجام: یویه: بضم آرزو، یوزه: بفتح، تنه درخت. یزداری: قیمه و تخم مرغ که در هم یزند.

۶. فرهنگ میرزا ابراهیم: نسخه به خط نستعلیق خوش به سال ۱۲۷۷ ه. ق کتابت شده است و در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار نگهداری می‌شود و شماره آن ۱۷ است. کاتب از خود نام نبرده است. این نسخه خوش خط نوشته شده ولی اغلاط بسیار دارد. لغات را با شنگرف نوشته‌اند و پشت ورق اول به نام فرهنگ زبان فارسی و عربی و ترکی داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه و این کتابخانه گردیده و در دفاتر کتابخانه به همین نام ثبت شده، سه ورق کاغذ نوشته در آخر و میان دو نسخه است.

جلد تیماجی، کاغذ فرنگی مهر زده، واقف سپهسالار، قطع رحلی. شماره اوراق کلیه (۱۰۵)، اوراق این فرهنگ (۹۴)، صفحه‌ای ۱۹ سطر، طول $۳۳\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر، عرض ۲۱ سانتیمتر، شماره کتابخانه ۵۰۱۷.

آغاز: بسمله، بدانکه عرب به چیم و یا و گاف و ژا مثل چه و پا و گردن و کثر تنطق ننماید. الخ.

انجام: یویه: بضم آرزو، یوزه: بفتح، تنه درخت. یزدارج: قیمه و تخم مرغ که در هم یزند.

۷. فرهنگ میرزا ابراهیم: این نسخه خطی با شماره ۴۳۹۹ هم اکنون در کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی قم نگهداری می‌شود که آغاز و انجام آن به شرح ذیل است:

آغاز: بدان که عرب بچیم و پا و گاف و ژا مثل چه و پا و گردن و کثر تنطق ننماید الانادراً.

انجام: یویه: آرزو و تنه درخت. یوداری: قیمه و تخم مرغ که در هم پزند.^{۵۱}
 ۸. فرهنگ میرزا ابراهیم: نسخه حاضر به شماره ۳۷۳۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است و مشخصات آن به شرح ذیل است:
 خط نستعلیق، کاتب نامعلوم، تحریر اواخر سده دهم و اوایل سده یازدهم هجری، کاغذ حنایی سمرقندی، عناوین و لغات به شنگرف.
 نسخه ۱۵۸ برگ دارد که در ابعاد ۱۲×۷ سانتیمتر است. جلد آن مقوایی مستعمل و در ابعاد ۱۲/۷ × ۱۸/۷ سانتیمتر است.

میرزا رضاخان نایینی آن را در مرداد ۱۳۱۱ ه. ق وقف نموده است.
 آغاز: «بسمله، بدان که عرب به جیم و پا و گاف و ژا مثل چه و پا و گردن و کثر تنطق ننماید الا نادراً.»

انجام: «یزداری: قیمه و تخم مرغ که در هم پزند.»^{۵۲}
 ۹. فرهنگ میرزا ابراهیم (= فرهنگ جهانگشا): این نسخه متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی است، شماره ۱۲۷۷۱ را به خود اختصاص داده است، به خط نستعلیق کتابت شده و از مؤلف و کاتب در جایی نامی برده نشده است. تاریخ تحریر آن در سده دوازدهم است و ۹۲ برگ دارد و کاغذ آن شکری است.
 عناوین به شنگرف و بعضی از اوراق آن را موربانه خورده است. جلد آن تیماجی مشکی یک لاس است. هر برگ آن ۱۹ سطر نوشته دارد و ابعاد برگ‌های آن ۲۱×۱۴/۵ سانتیمتر است. واقف آن حسین کی استوان است که آن را در آبان ماه ۱۳۴۸ وقف کرده است.

آغاز: «بسمله، بدان که عرب بجیم و پا و کاف و ژا مثل چه و پا و گردن و کثر تنطق ننماید الا نادراً و عجم به صاد و ضا و طا و ظا و ثا و عین و قاف تکلم نکنند مگر به طریق ندرت.»

انجام: «و بشومی و عصیان انقوم آتزمین را بازگردانیدند.»^{۵۳}

- نسخه‌های دیگر این فرهنگ بر حسب فهرست استاد منزوی چنین است:
۱۰. مدینه: کتابخانه عارف حکمت، ۱۲۴، تاریخ تحریر: ۱۰۰۹ ه. ق، ۱۶۰ برگ.
 ۱۱. تهران: مجلس شورای اسلامی، ۴۶۷۱، تاریخ تحریر: ۱۰۷۷ ه. ق.^{۵۴}
 ۱۲. تهران: دهخدا، ۲۷، نستعلیق سده ۱۱، از واژه «آستین» تا «نشد» را دارد.^{۵۵}

پی‌نوشتها

۱. محمد دبیرسیاقي، فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها، تهران، انتشارات اسپرک، ۱۳۶۸، ص ۸۲.
۲. ابن یوسف شیرازی، فهرست کتابخانه مدرسه عالی سهسالار، تهران، انتشارات چاپخانه مجلس، ۱۳۱۶-۱۸، ج ۱، ص ۲۲۹.
۳. همان، ص ۲۳۰ و محمد تقی دانش پزوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ج ۱۱، ص ۲۱۹۰.
۴. در اولین برگ نسخه خطی شماره ۲۸۰۹ کتابخانه وزیري یزد این فرهنگ فرس اعجمی نامیده شده است و در فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه و فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد مقدس) به این نام شناخته می‌شود.
۵. احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی منطقه‌ئی، ۱۳۴۹، ج ۳، ص ۱۹۳۷ و محمد تقی دانش پزوه، نشریه نسخه‌های خطی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹، دفتر ۱، ص ۳۶۷.
۶. محمد دبیرسیاقي، فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها، ص ۸۲.
۷. ابن یوسف شیرازی، فهرست کتابخانه مدرسه عالی سهسالار، ج ۲، ص ۲۲۹ و محمد دبیرسیاقي، فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها، ص ۸۲ و احمد گلچین معانی و غلامعلی عرفانیان، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۱۳، صص ۶۵-۶۹ و ص ۱۷۳.
۸. ابن یوسف شیرازی، فهرست کتابخانه مدرسه عالی سهسالار، ج ۲، صص ۲۳۱-۲۳۲.
۹. همان، ج ۲، ص ۲۲۹ و میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن انجو شیرازی، فرهنگ جهانگیری، به تصحیح دکتر رحیم عیفی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۷.
۱۰. محمد تقی دانش پزوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۱، صص ۲۱۹۰-۲۱۸۹.
۱۱. احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی، ج ۳، ص ۱۹۳۷.
۱۲. میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن انجو شیرازی، فرهنگ جهانگیری، به تصحیح دکتر رحیم عیفی، ج ۱، ص ۷.
۱۳. محمد حسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶، ج ۱، ص هفتاد و پنج (مقدمه).
۱۴. محمد تقی دانش پزوه و ایرج افشار، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ج ۳، ص ۲۶.
۱۵. امین احمد رازی، هفت اقلیم، تصحیح و تعلیقات و حواشی سید محمد رضا طاهری، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۵۰.
۱۶. همان.
۱۷. امین احمد رازی، هفت اقلیم، ج ۲، ص ۹۵۰.
۱۸. منوچهر پارسادوست، شاه اسماعیل اول، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵، ص ۶۱۶.
۱۹. امین احمد رازی، هفت اقلیم، ج ۲، ص ۹۵۰.

۲۰. سید محمد علی داعی الاسلام، فرهنگ نظام، ج ۵، ص ۱۵ دیپاچه (یه).
۲۱. همان.
۲۲. تقی‌الدین کاشانی، خلاصه الاشعار، به نقل از فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد، انتشارات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ص ۶۵.
۲۳. شهریار نقوی، فرهنگ نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۸.
۲۴. میرجمال‌الدین حسین فخرالدین حسن انجوشیرازی، فرهنگ جهانگیری، ج ۱، ص پانزده (پیشگفتار).
۲۵. محمد دبیرسیاقی، فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها، ص ۸۳.
۲۶. سید محمد علی داعی الاسلام، فرهنگ نظام، ج ۱۵، ص ۱۵ دیپاچه (یه).
۲۷. محمد دبیرسیاقی، فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها، ص ۸۳.
۲۸. محمد حسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۵۴.
۲۹. همان، ص ۵۳۲.
۳۰. محمد دبیرسیاقی، فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها، ص ۸۲.
۳۱. همان، ص ۸۳.
۳۲. همان، ص ۸۳.
۳۳. شهریار نقوی، فرهنگ نویسی در هند و پاکستان، ص ۲۱.
۳۴. همان، ص ۷.
۳۵. محمد دبیرسیاقی، فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها، ص ۸۳.
۳۶. محمد حسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، ج ۳، ص ۱۵۹۱.
۳۷. همان، ص ۱۵۶۲.
۳۸. همان، ص ۱۱۸۹.
۳۹. همان، ج ۲، ص ۱۵۸۵.
۴۰. محمد حسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، ج ۱، ص ۴۵۴.
۴۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۹۹۴.
۴۲. محمد تقی دانش پژوه، نشریه نسخه‌های خطی، ج ۱، ص ۳۶۷.
۴۳. در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳، ص ۱۹۳۸ به جای شماره ۸۶۵ شماره ۶۸۵ آمده که اشتباه است.
۴۴. شکل صحیح این واژه «یوبه» است که در فرهنگ فارسی مدرسه سهسالار به تصحیح دکتر علی اشرف صادقی، انتشارات سخن، ۱۳۸۰، ص ۲۵۸ آمده است.
۴۵. صورت درست این واژه یزدادی است که در متن فرهنگ میرزاابراهیم تصحیح شده است. گفتنی است، نمونه‌هایی که در این مقاله از آغاز و انجام نسخه‌ها آورده می‌شود عیناً شبیه اصل نسخه نوشته شده‌اند و ممکن است واژه‌های نادرستی در آنها مشاهده شود که برای آگاهی از شکل درست واژه‌ها، می‌توان به فرهنگ میرزاابراهیم که به زودی چاپ و منتشر خواهد شد، مراجعه کرد.
۴۶. ابن یوسف شیرازی، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، انتشارات چاپخانه مجلس، ۱۳۲۱ - ۱۳۱۸، ج ۳، ص ۱۱۰.

۴۷. محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (درباره نسخه‌های خطی)، سال ۱۳۴۲، ج ۳، صص ۲۶-۲۷.
۴۸. محمد شیروانی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری یزد، یزد، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵، ج ۴، صص ۱۴۳۴.
۴۹. ابن یوسف شیرازی، فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ج ۲، صص ۲۳۱-۲۳۲.
۵۰. سید احمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲ (راهنما)، ص ۲۴۸.
۵۱. احمد گلچین معانی و غلامعلی عرفانیان، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۱۳، صص ۶۵-۶۹.
۵۲. همان، ص ۱۷۳.
۵۳. محمد دبیرسیاقتی، فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها، ص ۸۴.
۵۴. احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳، ص ۱۹۳۸.

منابع و مآخذ

- افشار، ایرج، یادداشتهای قزوینی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳.
- انجو شیرازی، میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن، فرهنگ جهانگیری، به تصحیح دکتر رحیم عقیفی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۹.
- پارسادوست، منوچهر، شاه اسماعیل اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵.
- تبریزی، محمد حسین بن خلف، برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- داعی‌الاسلام، سید محمدعلی، فرهنگ نظام، تهران، انتشارات شرکت دانش، ۱۳۶۴.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، نشریه نسخه‌های خطی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹، ج ۱.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و ایرج افشار، نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.

- دبیرسیاقی. محمد، فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها، تهران، انتشارات اسپرک، ۱۳۶۸.
- رازی. امین احمد، هفت اقلیم، تصحیح و تعلیقات و حواشی از محمدرضا طاهری، تهران، انتشارات سروش، ج ۲، ۱۳۷۸.
- شیرازی. ابن یوسف، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، انتشارات چاپخانه مجلس، ج ۳، ۱۳۱۸ - ۱۳۲۱.
- شیرازی. ابن یوسف، فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ج ۲، تهران، انتشارات چاپخانه مجلس، ۱۳۱۶ - ۱۳۱۸.
- گلچین معانی، احمد و غلامعلی عرفانیان، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۱۳، مشهد، انتشارات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- منزوی. احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۱، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای آسیا، ۱۳۳۹.
- نقوی، شهریار، فرهنگ نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، ۱۳۴۱.

